



شهادت مولی‌الموحدين

اميرالمؤمنين حضرت علي عليه السلام

بر محبين اهل بيت عليهم السلام

تسليت باد

# خورشيد است

افق حوزة

هفته‌نامه سیاسی، علمی و فرهنگی حوزه‌های علمیه

سال هفدهم | شماره ۵۹۲ | دوشنبه ۶ خرداد ۱۳۹۸

ویژه‌نامه به مناسبت یک‌هزار و چهارصدمین سال

شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

مراجع عظام تقلید و علما به مناسبت یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تصریح کردند

# امام علی علیه السلام الگویی برای همه بشریت

- از عموم آزادی‌خواهان و مسلمانان به‌خصوص شیعیان درخواست دارم که در ایام پر فیض ماه مبارک به‌خصوص ایام و لیالی قدر و شب و روز شهادت حضرت مولی‌الموحدين امام‌المتقين امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین، نسبت به‌وجود مقدس آن حضرت، بیش از گذشته اظهار ادب و اخلاص نموده و با ذکر فضایل و مناقب نورانی آن امام مظلوم و با تشکیل مجالس و همایش‌ها، گوشه‌ای از برکات وجودی آن حضرت را برای جهانیان بازگو کنند.
- امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره مظلوم بوده و هم‌چنان مظلوم است. در تاریخ اسلام هیچ‌کس را سراغ نداریم که دشمنان خون‌آشامش 70 سال نام او را بر فراز منابر به زشتی یاد کرده باشند و از قرائن استفاده می‌شود به هیچ کس اجازه نمی‌دادند که این کار را ترک گوید.
- فکر اندیشمند عادی به مقام والای علی بن ابیطالب راه نمی‌یابد و تحمل هضم و فراگیری علوم سیل‌گونه این حکیم الهی مقدور افراد عادی نیست، زیرا در برابر سیل نمی‌توان ایستاد، بلکه باید از کناره‌های آن به قدر توان بهره برد.



حق من بود، محبوب‌تر از گروهی از شتران سرخ‌موی بود، هنگامی که رسول خدا ﷺ به سوی بعضی از غزوات می‌رفت او را در مدینه به‌جای خود گذارد، علی عرض کرد: ای رسول خدا! مرا در کنار زنان و کودکان می‌گذاری و به جهاد می‌روی؟ پیغمبر فرمود: «اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی، إلا أنه لا نبی بعدی؛ آیا راضی نمی‌شوی تونستت به من مانند هارون (برادر موسی و جانشین او) بوده باشی جز این‌که پیغمبری بعد از من نیست (اما تمام صفات برادر موسی را داری)».

و نیز شنیدم در روز خیبر فرمود: «لأعطين الراية غداً رجلاً يحب الله ورسوله ويحبه الله ورسوله يفتح الله عليه؛ من (فردا) پرچم را به دست مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست می‌دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند و خدا خیبر را به وسیله او فتح می‌کند». و سپس پرچم را به دست علی ﷺ داد و خداوند خیبر را به وسیله او فتح کرد.

و نیز هنگامی که آیه مباهله نازل شد: «قل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ونساءنا ونساءكم وأنفسنا ونفوسكم ثم نبهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين» پیامبر اکرم ﷺ، علی ﷺ و فاطمه ﷺ و حسین ﷺ را با خود همراه ساخت و عرضه داشت: «خداوندا! اهل من اینها هستند (مطابق این آیه علی جان پیغمبر بود)» این حدیث در مهم‌ترین کتب اهل سنت از جمله صحیح مسلم و ترمذی و سنن ابن‌ماجه آمده است.

(هنگامی که معاویه این سخن را شنید شرمند و ساکت شد ولی عجیب این‌که از کار خود درباره ناسراگویی به امیرمؤمنان علی ﷺ دست برنداشت.) البته این تلاش‌های احمقانه به‌جایی نرسید و آفتاب پشت ابرهای تعصب کورکورانه پنهان نماند. امروز فضائل و مناقب او شرق و غرب عالم را فرا گرفته و کتاب‌های مخالف و موافق را پر کرده است. و مطابق آن چه از خلیل بن احمد (مطابق چیزی که در روضه‌المتقين در شرح من لا يحضره الفقيه آمده) نقل شده که هنگامی که درباره امیرمؤمنان از او سؤال کردند گفت: من چگونه توصیف کنم مردی را که دشمنانش فضائلش را از روی حسد پنهان کردند و دوستانش از روی خوف و تقيه، اما در عین حال دنیا را پر کرده است!

و شگفت‌انگیز آن‌که بعضی از دشمنان سرسخت آن حضرت هنگامی که به فضائل مهم آن امام می‌رسند می‌گویند، این از مجعولات شیعه است! در حالی که در کتاب‌های متعدد آن‌ها نقل شده. مثلاً در داستان سد ابواب یعنی این‌که پیغمبر اکرم ﷺ دستور داد همه درهایی که از خانه‌های مهاجر و انصار به مسجد باز می‌شد بسته شود جز در خانه علی بن ابیطالب، فرد نادان و بی‌خبری می‌گوید این از مجعولات شیعه است، در حالی که روایات متواتری در کتب مختلف اهل سنت درباره مسئله سد ابواب دیده می‌شود و هنگامی که از پیغمبر اکرم ﷺ پرسیدند چگونه در خانه عمویت عباس را بستنی اما در خانه پسر عمویت علی را هم چنان گشوده داشتی. فرمود: این دستور از سوی من نبود، از سوی خداوند متعال بود!

مرحوم علامه امینی ﷺ در جلد سوم کتاب نفیس و بسیار پرارزش الغدیر، بیست و چند حدیث از منابع دست اول اهل سنت درباره مسئله سد ابواب نقل می‌کند.

بنابراین نباید هرگز به این سخنان جاهلانه سخیف اعتنا کرد. مولا آفتاب عالم تاب است و دشمنانش خفاشان کوردل!

ولی نکته مهمی که در اینجا لازم می‌دانم خدمت شما عزیزان عرض کنم این است که این‌گونه بزرگداشت‌ها در عین این که بسیار خوب است، ولی نباید در آن تنها به خواندن مقالات پرعنا و سرودن اشعار پرارزش و دادن شعرهای روشنگر بسنده کرد، بلکه باید کار ماندگاری در آن انجام شود و به یادگار بماند و آن به عقیده حقیر آشنا ساختن مردم به کلمات آن بزرگوار و

فضایل مرتضوی، حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ می‌گذرد.

جامعه اسلامی بلکه جهان بشریت و جهان علم و ادب، چهارده قرن است که در سوگ فقدان و مصیبت غم‌بار آن امام عزیز، عزادار و سوگوار است.

در این چهارده قرن، چه گذشت بردوستان و شیعیان آن حضرت؟! چه ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها که بر آن‌ها روا داشتند! هزاران انسان مظلوم و بی‌دفاع را به جرم شیعه علی ﷺ بودن شهید نمودند و بسیاری را شکنجه‌های سخت دادند و شمار زیادی از آن‌ها را تبعید کردند و بسیاری را پدران و مادران را به‌واسطه شهادت فرزندان‌شان در راه ولایت داغدار کردند؛ «فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سُيِّئَ مَنْ سُيِّئَ وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى».

ماه مبارک رمضان امسال، یادآور آن همه مصائب و مشکلات و بی‌عدالتی‌هاست.

حقیر برای این‌که کوچک‌ترین ادای وظیفه به ساحت مقدس امامت و ولایت داشته باشم، از عموم آزادی‌خواهان و مسلمانان به‌خصوص شیعیان درخواست دارم که در ایام پر فیض ماه مبارک به‌خصوص ایام و لیالی قدر و شب و روز شهادت حضرت مولی‌الموحدين امام‌المتقين امیرالمؤمنین علیه صلوات المصلین، نسبت به‌وجود مقدس آن حضرت، بیش از گذشته اظهار ادب و اخلاص نموده و با ذکر فضایل و مناقب نورانی آن امام مظلوم و با تشکیل مجالس و همایش‌ها، گوشه‌ای از برکات وجودی آن حضرت را برای جهانیان بازگو کنند و هم‌چنین شکوه و عظمت دسته‌های عزاداری علوی را بیشتر نموده و با شرکت در آن، عشق و محبت خود را به اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ نشان داده و تسلیت خود را به پیشگاه مقدس یگانه دوران قطب عالم امکان امام زمان حضرت بقية‌الله‌الأعظم ارواح‌العالمین له الفداء عرضه بدارند و از خداوند متعال، فرج و ظهور موفور السور آن حضرت را برای رفع ستم ستمگران و تشکیل حکومت واحد جهانی مهدوی مسئلت نمایند که «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ يُرَآهُ قَرِيبًا».

لطف‌الله صافی / رمضان المبارک ۱۴۴۰ هـ ق

## آیت‌الله‌العظمی‌ماکرم‌شیرازی

مولا آفتاب عالم تاب است و دشمنانش خفاشان کوردل

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

تشکیل این همایش بزرگ که به‌مناسبت چهاردهمین قرن شهادت مولی‌الموحدين امیرمؤمنان علی ﷺ است، ابتکار جالبی می‌باشد که نشان از عشق و ارادت والای بنیان‌گذاران این همایش نسبت به مقام شامخ مولی‌الموحدين علی ﷺ است.

این‌جانب به نوبه خود از همه آن‌ها تشکر و سپاس‌گزاری وافر می‌کنم، هم‌چنین از شما عزیزانی که عشق و ارادت مولای متقیان شما را به این بزرگداشت کشانیده است.

به یقین این‌ها وسیله فوز بوم‌المعاد و نجات بوم‌القیامه است.

به عقیده حقیر امیرمؤمنان علی ﷺ همواره مظلوم بوده و هم‌چنان مظلوم است. در تاریخ اسلام هیچ‌کس را سراغ نداریم که دشمنان خون‌آشامش ۷۰ سال نام او را بر فراز منابر به زشتی یاد کرده باشند و از قرائن استفاده می‌شود به هیچ کس اجازه نمی‌دادند که این کار را ترک گوید.

از شگفتی‌های جهان اسلام این است که معاویه هنگامی که به مدینه آمد، سعد بن ابی وقاص فاتح قادسیه را ملاقات کرد و به او گفت: ای سعد! شنیده‌ام تو از سب علی [ﷺ] خودداری می‌کنی! چرا؟ (معلوم می‌شود که حتی سب نکردن او در مدینه، در شام به گوش معاویه رسیده بود).

سعد گفت: من سه جمله از پیغمبر اکرم ﷺ شنیده‌ام و به‌خاطر آن هرگز به علی ﷺ ناسزا نمی‌گویم. این سه جمله چنان است که اگر یکی از آن‌ها در



حقیر برای این‌که کوچک‌ترین ادای وظیفه به ساحت مقدس

امامت و ولایت داشته باشم، از عموم آزادی‌خواهان

و مسلمانان به‌خصوص شیعیان درخواست دارم که در ایام

پر فیض ماه مبارک به‌خصوص ایام و لیالی قدر و شب

و روز شهادت حضرت مولی‌الموحدين امام‌المتقين امیرالمؤمنین ﷺ

نسبت به‌وجود مقدس آن حضرت، بیش از گذشته

اظهار ادب و اخلاص نموده و با ذکر فضایل و مناقب نورانی

آن امام مظلوم و با تشکیل مجالس و همایش‌ها

گوشه‌ای از برکات وجودی آن حضرت را برای جهانیان بازگو کنند.

## آیت‌الله‌العظمی‌صافی‌کلپایگانی

مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان شخصیت امیرالمؤمنین را معرفی کنند

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

ماه مبارک رمضان سال یک‌هزار و چهارصد و چهل قمری، یادآور حادثه‌ای بسیار ناگوار و تلخ در تاریخ عالم انسانیت و حیات بشری می‌باشد.

درست، چهارده قرن از شهادت مظلومانه اولین موحد واقعی مکتب اسلام، معلم نمونه مدرسه الهیات قرآن و وصی و جانشین برحق رسول اکرم ﷺ، عدالت مجسم، یار مظلوم و خصم ستمگران، انیس و مونس و پدر یتیمان، صاحب ولایت مطلقه الهیه، و باب مدینه علم نبوی و صاحب کرامات و

نهج‌البلاغه کتابی است که تمام درس‌های زندگی را در بردارد. از عقاید توحیدی گرفته که خطبه‌های بی‌نظیری درباره آن دارد تا مسایل اخلاقی و اجتماعی و کلمات قصار که مثل آفتاب می‌درخشد تا مسایل سیاسی و مربوط به فرماندهی و مدیریت که یک نمونه آن عهدنامه مالک اشتر است که بعد از چهارده قرن هم چنان نومی‌باشد و الهام بخش سیاست‌مداران و مدیران فرماندهان عصر ما.

نهج‌البلاغه است که امروز غالباً از آن نامی شنیده‌اند و با آن فاصله دارند. نهج‌البلاغه اقیانوس عظیمی است که انواع گوهرهای گران‌بها در آن است. نهج‌البلاغه کتابی است که تمام درس‌های زندگی را در بردارد. از عقاید توحیدی گرفته که خطبه‌های بی‌نظیری درباره آن دارد تا مسایل اخلاقی و اجتماعی و کلمات قصار که مثل آفتاب می‌درخشد تا مسایل سیاسی و مربوط به فرماندهی و مدیریت که یک نمونه آن عهدنامه مالک اشتر است که بعد از چهارده قرن هم چنان نومی‌باشد و الهام بخش سیاست‌مداران و مدیران فرماندهان عصر ما.

اما متأسفانه این نهج‌البلاغه هم‌چنان غریب مانده است. ای کاش همان‌گونه که برنامه‌های سازنده‌ای در مساجد بعد از نمازها به‌عنوان خواندن یک صفحه قرآن و ترجمه آن معمول شده، چند خطی از نهج‌البلاغه و ترجمه آن نیز خوانده می‌شد.

فراموش نمی‌کنم هنگامی که تصمیم گرفتیم بعد از تفسیر نمونه، تفسیری بر



**فرمایشات امیرالمؤمنین علی <sup>علیه السلام</sup> در نهج البلاغه باید هواره مورد توجه ما باشد. آن حضرت در پنج سالی که در مصدر حکومت بودند، نمونه واضح و کاملی را از حکومت اسلامی عرضه کردند، نامه‌ها و خطبه‌های ایشان که توسط عالم بزرگوار مرحوم سیدرضی در سال ۴۰۰ هجری قمری یعنی حدود ۱۰۴۰ سال پیش در قالب کتاب نهج البلاغه گردآوری شده است، راهنمای بسیار ارزشند و گهرباری برای همه رهپویان طریق حق و حقیقت و عدالت‌گستران جامعه است.**

نهج البلاغه به سبک تفسیرنمونه بنویسیم و تمام آن را جمله به جمله تفسیر کنیم و مسایل روز و نکته‌های تاریخی و اخلاقی و علمی را برآن بیفزاییم و فکر کردیم از شروع دیگری که برنهج البلاغه نوشته شده باید کمک گرفت. بررسی کردیم دیدیم متأسفانه بیش از ده شرح تا حدودی قابل قبول بر نهج البلاغه نوشته نشده است در حالی که بیش از هزار تفسیر برقرآن نوشته شده است. آن‌گاه به مظلومیت نهج البلاغه پی بردیم و سرانجام سال‌ها زحمت کشیدیم و دوره کامل آن را در بیست جلد آماده و منتشر ساختیم.
بیباید دست به‌دست هم دهیم و نهج البلاغه را از مظلومیت درآوریم و نهضتی درباره آشنایی با نهج البلاغه در جامعه اسلامی به‌وجود آوریم. در کتاب‌های درسی، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، نکات آموزنده‌ای از آن مطرح شود. بخش‌های بیدار کننده در صدا و سیما و رسانه‌ها منتشر شود. محققان حوزوی و غیر حوزوی در بحث‌های خود به ذکر نکته‌های مهمی از نهج البلاغه بپردازند. در حوزه‌های علمیه درس نهج البلاغه رسمی شود. این همایش با شکوه هرگاه بتواند زمینه خوبی برای گسترش آشنایی با نهج البلاغه در جامعه فعلی ما که شدیداً به آن نیازمند است فراهم سازد، خدمت بزرگی کرده است.

نباید استفاده از این گنجینه عظیم به عربی‌زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها محدود شود، بلکه بتوانیم بخش‌های حساسی از آن را به زبان‌های مختلف دیگر ترجمه کنیم و نشر دهیم. امیدوارم در این کار مهم موفق باشید.
در پایان بار دیگر از زحماتی که بنیان‌گذاران عزیز برای تشکیل این همایش کشیده‌اند بسیار سپاس‌گزار می‌کنم و امیدوارم همه آن‌ها و شما و ما در سایه کلمات مولی‌الموحدین زندگی قرین با سعادت و حسن عاقبت داشته باشیم.
والسلام علیکم ورحمة‌الله /ناصرمکارم شیرازی

## ● آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

**عمل به نامه‌های امیرالمؤمنین علی <sup>علیه السلام</sup> به مالک و دیگر کارگزاران، نیاز مبرم امروز جوامع اسلامی است**

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم
«یا ایُّها الرسول بلِّغْ ما أنزلَ الیَکَ من ربِّکَ وإنْ لم تفعلْ فَمَا بَلَّغْتَ رسالتهِ واللهُ یعصمکَ من النَّاسِ» (مانده/۶۷)

فرارسیدن یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت عمودالدین، سیدالوصیین امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب <sup>علیه السلام</sup> فرصتی است برای بازگویی فضایل و مناقب آن حضرت، گرچه شناخت کامل و جامع هیچ‌گاه میسر نیست چنان‌که پیامبر اکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمودند: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیرِی» ای علی، کسی خدا را شناخت به حقیقت معرفتش جزء من وتو، و کسی تو را نشناخت آن‌گونه که حق معرفت توست جزء خدا و من. (مناقب ابن‌نهرآذوب/ج۳/ص۲۶۸)
و در فرازی دیگر فرموده است «یا علی لا یعرف الله تعالی الا انا و انت و لا یعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک الا الله و انا»

ای علی، کسی خدا را نشناخت جزء من وتو کسی مرا نشناخت جزء خدا وتوو کسی تو را نشناخت جز خدا و من. (روضة‌المتقین، محمد تقی مجلسی،ج۱۳، ص۲۷۳)

حال گرچه شناخت واقعی آن حضرت ممکن نیست و در بیان نورانی پیامبراکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup> هم آمده است: «ان الله تبارک وتعالی جعل لأخی علی بن أبی طالب فضایل لا یحصی عددها غیره فمن ذکر فضیلةً من فضایله مقرأ بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر و لو وافی القیامة بذنوب الثقلین و من کتب فضیلةً من فضایل علی بن أبی طالب <sup>علیه السلام</sup> لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقی لتلك الکتابة رسمً و من استمع الی فضیلة من فضایله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالاستماع و من نظر الی کتابة فی فضایله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالنظر (الامالی شیخ صدق /ص۱۳۸)

رسول مکرم اسلام <sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمودند: حقیقتاً خدای تبارک و تعالی برای بردارم علی‌بن ابی‌طالب <sup>علیه السلام</sup> چنان فضیلت‌هایی قرارداده که شماره آن‌ها را خود پروردگار می‌تواند احصا فرماید، پس هرکس یک فضیلت از این فضیلت‌ها را بر زبان جاری سازد، در حالی‌که در دل به آن‌ها اقرار دارد، خدای متعال نیز جملگی گناهان گذشته و آینده او را ببامزد، هرچند در روز قیامت همه گناهان جن و انس در کارنامه‌اش ثبت باشد، و هرکس یک فضیلت از

فضیلت‌های علی‌بن ابی‌طالب <sup>علیه السلام</sup> را بنویسد، مادامی که از این نوشته اثری باقی باشد، فرشتگان برای او از درگاه الهی آموزش می‌طلبند، و هرکس هنگام بیان فضیلتی از این فضیلت‌ها به آن‌ها گوش سپارد، خدای متعال جملگی گناهانی را که از طریق شنیدن در کارنامه اعمالش ثبت شده، می‌آمزد و هر کس به نوشته‌ای در باب فضیلت‌های علی <sup>علیه السلام</sup> نظر کند، خدای متعال جملگی گناهانی که از طریق دیدن در کارنامه اعمالش ثبت شده ببامزد و ببخشاید.

آیات فراوانی توسط مفسرین بزرگ عامه و خاصه در شأن حضرت امام علی <sup>علیه السلام</sup> تفسیر شده است به‌طوری‌که بسیاری از علمای اهل سنت مانند ابن‌عساکر، ابن‌حجر، سیوطی، خطیب بغدادی، گنجی شافعی و دیگران از ابن‌عباس روایت کرده‌اند که گفته است: «نزلت فی علی ثلاث مائة آية» یعنی سیصد آیه از قرآن کریم در شأن حضرت امام علی <sup>علیه السلام</sup> نازل شده است و در جایی دیگر از ابن عباس از پیامبراکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup> نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «ما انزل آية فیها یا ایها الذین آمنوا و علی رأسها و امیرها» یعنی هر آیه‌ای که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده است، حضرت علی <sup>علیه السلام</sup> را در رأس آن و امیرآن قرار داده است.

امام صادق <sup>علیه السلام</sup> فرمودند: آن‌گاه که پیغمبر خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> در حجة‌الوداع به مکه رفته بودند در مسیر یازگشت جبرئیل بر آن حضرت نازل شده و خطاب به آن حضرت عرض می‌کند: خدای متعال می‌فرماید: «ای رسول ما، ابلاغ کن آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل گشته که اگر این کار را نکنی، رسالتت را به انجام نرسانده‌ای و خدا تو را از گزند مردم در امان نگه می‌دارد، پس چون حضرت این دستور پروردگار را شنید فوراً توقف دادند و منبری از زین شتران فراهم ساختند و آن حضرت بر بالای منبر رفتند و علی‌بن ابی‌طالب <sup>علیه السلام</sup> را نیز همراه خود بالای منبر بردند و خطبه‌ای بلیغ و مفصل در بیان فضایل و مناقب امیرالمؤمنین <sup>علیه السلام</sup> ایراد فرمودند که به خطبه غدیر مشهور است و حدیث غدیر در منابع اهل سنت مکرر آمده است و حدیث متواتر محسوب می‌شود.

آری نبی مکرم اسلام <sup>صلی الله علیه و آله</sup> در روز غدیر با صدای رسا امیرالمؤمنین علی <sup>علیه السلام</sup> را به جانشینی خود منصوب فرمودند: «الا من کنت مولاه فهذا علی مولا، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله» یعنی بهوش باشید هرکس را که من مولای او هستم پس این علی هم مولای اوست، خدایا دوست بدار هرآن‌کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هرآن‌کس که او را دشمن می‌دارد، و یاری کن هرکس که او را یاری کند و خوار و ذلیل کن هرکس که او را خوار و ذلیل می‌شمرد (بحارالانوار مجلسی /ج۳۷/ص۱۶۵)

جابر ابن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup> نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: جایگاه علی <sup>علیه السلام</sup> نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی <sup>علیه السلام</sup> است، و فرمودند: علی <sup>علیه السلام</sup> از من است و من از او هستم و علی <sup>علیه السلام</sup> نسبت به من مانند جان من است، اطاعت کردن از او مانند اطاعت کردن از من و نافرمانی از او مانند نافرمانی از من است، و باز فرمودند: پیکار با علی <sup>علیه السلام</sup> مانند پیکار با خداست و صلح و آشتی با علی <sup>علیه السلام</sup> مانند صلح و آشتی با خداست، دوست علی دوست خداست و دشمن علی <sup>علیه السلام</sup> دشمن خداست، علی <sup>علیه السلام</sup> حجت الهی و جانشین پروردگار در میان بندگانش است، دوستی ورزیدن با علی <sup>علیه السلام</sup> نشانه ایمان و کینه‌ورزی با علی <sup>علیه السلام</sup> نشانه کفر است، آنان که در حزب و گروه علی <sup>علیه السلام</sup> هستند، قطعاً در گروه و حزب خدا قرار دارند و آنان‌که در حزب و دسته دشمنان علی <sup>علیه السلام</sup> هستند، حقیقتاً در حزب و گروه شیطان قرار دارند، علی <sup>علیه السلام</sup> همواره با حق است و حق نیز همواره همراه علی <sup>علیه السلام</sup> است و آن‌ها هرگز از هم جدایی نمی‌پذیرند تا در حوض کوثر بر من درآیند.

هم چنین فرمودند: «علی <sup>علیه السلام</sup> تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ است و هرکس از علی <sup>علیه السلام</sup> خود را جدا کند در واقع خود را از من جدا کرده و هر که خود را از من جدا کند، در واقع از خدای عزوجل جدا کرده است و تأکید فرمودند: شیعیان علی <sup>علیه السلام</sup> همان رستگاران روز قیامت هستند (خصال شیخ صدوق، ج۲، ص۲۹۶)
انس بن مالک از رسول خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> نقل کرده که آن حضرت فرمودند: اگر جملگی مردم بر پذیرش محبت علی‌بن ابی‌طالب <sup>علیه السلام</sup> یک‌دل و یک‌رای می‌گردیدند، خدای عزوجل هرگز آتش دوزخ را نمی‌آفرید و نیز فرمودند: خدای متعال از روشنائی رخسار علی <sup>علیه السلام</sup> هفتاد هزار فرشته آفریده است که برای او و دوست‌دارانش تا روز قیامت از درگاه الهی آموزش می‌طلبند. (بحارالانوار ج/۳۹/ص۲۴۸ وح/۱۳/ص۳۲۰)

رسول خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> فرمودند، خدای متعال می‌فرماید: ولایت علی <sup>علیه السلام</sup> دژ و پناهگاه استوار من است و هرکس به این دژ و پناهگاه استوار من درآید، از عذاب من ایمن خواهد بود. (جواهرالسننی شیخ حرعاملی/ص/۲۶۷)
هم چنین فرمودند: «من زار علیاً بعد وفاته فله الجنة» هرکس پس از، از دنیا رفتن علی <sup>علیه السلام</sup> به زیارت او (مرقد مطهرش) برود پاداشش بهشت خواهد بود. (جامع‌الخبار/ص/۲۲)

هم چنین آن حضرت فرمودند: «من مانند خورشید هستم و علی <sup>علیه السلام</sup> بسان ماه و اهل بیتم مانند ستارگان درخشان، به هر یک از ایشان که اقتدا کنید، رهنمون خواهید شد. (عوالی‌اللتالی/ج/۴/ص/۸)
فرمایشات امیرالمؤمنین علی <sup>علیه السلام</sup> در نهج البلاغه باید همواره مورد توجه ما باشد. آن حضرت در پنج سالی که در مصدر حکومت بودند، نمونه واضح و کاملی را از حکومت اسلامی عرضه کردند، نامه‌ها و خطبه‌های ایشان که توسط عالم بزرگوار مرحوم سیدرضی در سال ۴۰۰ هجری قمری یعنی حدود ۱۰۴۰ سال پیش در قالب کتاب نهج البلاغه گردآوری شده است، راهنمای بسیار ارزشمند و گهرباری برای همه رهپویان طریق حق و حقیقت و عدالت‌گستران جامعه است.

نامه امیرالمؤمنین علی <sup>علیه السلام</sup> به مالک اشتر و یا نامه‌هایی که به دیگر کارگزاران حکومت اسلامی صادر فرمودند در نكوهش از سوء استفاده از بیت‌المال و یا لزوم برخورد قاطع با خیانتکاران و نکوهش کارگزاران خیانتکار و یا ضرورت ساده‌زیستی کارگزاران در نظام اسلامی و یا مسئولیت فرمانداران در بسط اخلاق و عدالت اجتماعی همگی موضوعاتی هستند که نیاز مبرم امروز جوامع اسلامی است و امیدواریم، مناسبت یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت آن امام‌المتقین و یعسوب‌الدین والایمان و حجة‌الله البالغه انگیزه‌ای شود تا به مطالعه و درک هر چه بیشتر فرمایشات آن حضرت و ائمه هدی <sup>علیهم السلام</sup> بپردازیم و عملاً دستورات آن‌ها را در زندگی خود و اجتماع پیاده کنیم.

السلام علیک یا امین الله فی أرضه، و حجتة علی عباده، السلام علیک یا امیرالمؤمنین

حسین نوری همدانی- ۱۳۹۸/۰۳/۰۳

## ● آیت‌الله‌العظمی سبحانی

**زاده کعبه و شهید محراب پس از چهارده قرن**

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

امیرمؤمنان، سرور مسلمانان، پایان‌بخش اوصیا، نخستین مؤمن به رسالت خاتم پیامبران <sup>صلی الله علیه و آله</sup>، باوقابترین شخص به پیمان‌های الهی و داناترین فرد به احکام الهی و قضایا، باب علم نبی اکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup>، پرچم هدایت، منبع نور، پاک‌کننده کعبه از بت و بت‌پرستی، بی‌پروا در اجرای احکام الهی و شهید در خانه خدا در حال نماز است.

امیرمؤمنان علی <sup>علیه السلام</sup>، در کعبه معظمه دیده به جهان گشود و در محراب مسجد کوفه جام شهادت نوشید و به لقاءالله پیوست؛ «نازم به حسن مطلع و حسن ختام او».

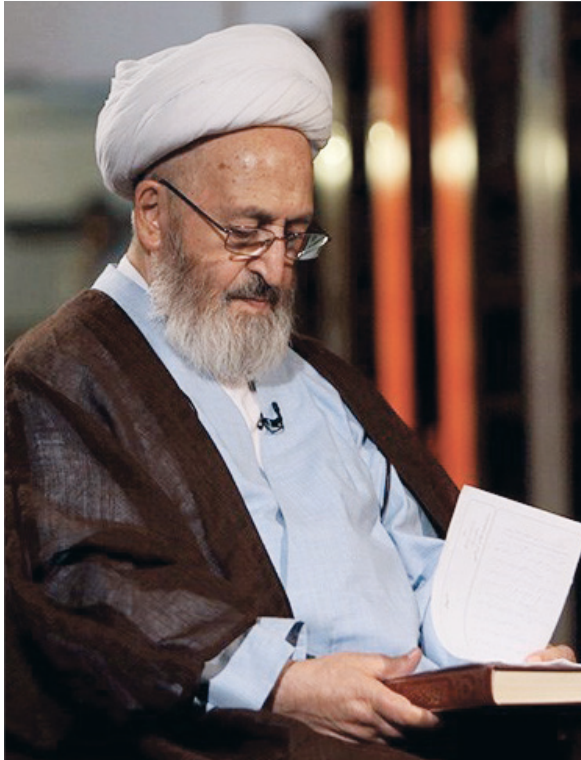
میسر نکرده به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت در ماه مبارک سال جاری (۱۴۰۰)، درست ۱۴ قرن از شهادت این پیشوای بزرگ می‌گذرد. شایسته است، در لیالی و ایام متبرکه قدر که همزمان با شهادت آن بزرگوار است، یادواره ویژه‌ای برگزار گردد.

در معرفی مقام منبع امیرمؤمنان <sup>علیه السلام</sup>، رساله‌ها، کتاب‌ها و موسوعه‌هایی به‌وسیله محققان اسلامی نوشته شده است، حتی گروهی از نویسندگان مسیحی، شایسته‌ترین تحقیقات را در زندگی آن‌حضرت انجام داده‌اند و همگی در حد توان کوشیده‌اند که بخشی از زندگانی آن ولی‌الله <sup>علیه السلام</sup> را ترسیم کنند و نکته‌هایی در مورد شناسایی فضایل و مناقب، و خدمات ارزنده و بی‌نظیر آن‌حضرت از دوران کودکی تا لحظه مرگ، تشکیل دهند و همگی معترفند که به ساحل این دریای فضیلت نمی‌توان رسید.

القاب آن‌حضرت که در روایات وارد شده، می‌تواند بیانگر گوشه‌ای از مقامات معنوی آن امام همام باشد.

- ویژگی‌های آن‌حضرت در احادیث اهل سنت**

۱. او امیرمؤمنان، سرور مسلمانان، پایان‌بخش اوصیا، نخستین مؤمن به رسالت خاتم پیامبران <sup>صلی الله علیه و آله</sup>، باوقابترین شخص به پیمان‌های الهی و داناترین فرد به احکام الهی و قضایا، باب علم نبی اکرم <sup>صلی الله علیه و آله</sup>، پرچم هدایت، منبع نور،



**در معرفی مقام منبع امیرمؤمنان <sup>علیه السلام</sup>، رساله‌ها، کتاب‌ها**

**و موسوعه‌هایی به‌وسیله محققان اسلامی نوشته شده است**

**حتی گروهی از نویسندگان مسیحی، شایسته‌ترین تحقیقات را**

**در زندگی آن‌حضرت انجام داده‌اند و همگی در حد توان کوشیده‌اند**

**که بخشی از زندگانی آن ولی‌الله <sup>علیه السلام</sup> را ترسیم کنند و نکته‌هایی**

**در مورد شناسایی فضایل و مناقب، و خدمات ارزنده و بی‌نظیر**

**آن‌حضرت از دوران کودکی تا لحظه مرگ، تشکیل دهند**

**و همگی معترفند که به ساحل این دریای فضیلت نمی‌توان رسید.**

پاک‌کننده کعبه از بت و بت‌پرستی، بی‌پروا در اجرای احکام الهی و شهید در خانه خدا در حال نماز است.<sup>(۱)</sup>

- عناصر سازنده شخصیت او**

شخصیت هر انسانی ـ بر اساس آن‌چه روان‌شناسان می‌گویند، به سه عامل مهم برمی‌گردد که هر کدام تأثیر فراوانی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارند. این سه عامل عبارتند از: وراثت، فرهنگ و محیط زندگی. امام علی <sup>علیه السلام</sup> به شیوه بشری از این قاعده مستثنی نیست و ما فقط به بیان ضلع نخست (وراثت) بسنده می‌کنیم و از بیان دو ضلع دیگر به‌خاطر ضیق مجال صرف‌نظرمی‌نماییم.

پدر بزرگوار آن‌حضرت، ابوطالب معروف به سیدالاباطح، سرور مکیان و پیشوای هاشمیان، شخصیتی است که سرپرستی، پیامبر خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> را بیش از چهل سال برعهده داشت و در حفاظت و نشر آموزه‌های توحید، نهایت جان‌فشانی و فداکاری را انجام داد و سروده‌های او در ستایش از پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> و رسالت او، حاکی از ایمان عمیق او به رسالت برادرزاده خود بود که به یک بیت بسنده می‌شود:

لیعلم خیبا! الناس انّ محمداً نبیّ کموسى حطأ فی الکتب

بهترین مردم بدانند که محمد <sup>صلی الله علیه و آله</sup>، پیامبری مانند موسی و مسیح‌بن مریم <sup>علیهم السلام</sup> است.

اما مادرش فاطمه دختر اسد فرزند هاشم است، این بانوقبل از بعثت پیامبر، پیروابین ابراهیم <sup>علیه السلام</sup> بود. در هنگام درد زایمان به مسجدالحرام آمد و خود را به دیوار کعبه چسباند و از خدا خواست که تولد این فرزند را که در شکم دارد، آسان سازد. در این لحظه مادر علی <sup>علیه السلام</sup>، اعجازآسا وارد کعبه شد و وضع حمل پایان یافت و فرزند فاطمه لقب ولید الکعبه یافت.

- زندگی علی <sup>علیه السلام</sup> در خانه رسول خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup>**

پیامبر خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> به‌خاطر رویداد قحطی، علی <sup>علیه السلام</sup> را به خانه خود برد، و تربیت او را برعهده گرفت و خود حضرت، به این بخش از زندگی خود در خطبه قاصعه چنین اشاره می‌کند:

«شما قطعاً از جایگاه بسیار نزدیک و مقام ویژه من نزد رسول خدا آگاه نیستید. او مرا در دامان خویش می‌نشاند؛ در حالی‌که کودکی بودم، مرا در آغوش می‌گرفت و در بستر خویش می‌خواباند و بدنش را به بدنم می‌چسباند و بوی خوشش را به مشامم می‌رساند و غذا را لقمه لقمه در دهانم می‌گذاشت.»

- امام علی <sup>علیه السلام</sup> در غار حرا**

عنایت پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> برای پرورش امام ادامه داشت تا آن‌جا که امام علی <sup>علیه السلام</sup> را به همراه خود به غار حرا می‌برد. خود آن‌حضرت، این بخش از زندگی خود را چنین بیان می‌کند: «پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> هر سال چند ماهی در غار حرا به سرمی‌برد. تنها من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید. من صدای شیطان به‌هنگام نزول وحی بر پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> را شنیدم. عرض کردم: ای رسول خدا <sup>صلی الله علیه و آله</sup> این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستیدنش ناامید گشت. سپس فرمود: «تو می‌شنوی آن‌چه من می‌شنوم و می‌بینی آن‌چه را که من می‌بینم؛ جز این که تو پیامبریستی و جانشین من می‌باشی.»

در آغاز بعثت پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> امام علی <sup>علیه السلام</sup> نوجوانی است که از نظر مقامات معنوی به جایی رسیده بود که سیمای فرشتگان را می‌دید و صداهای برزخی را می‌شنید و به مقامی رسید که پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله</sup> در حق او فرمود: «إلّا أنک لمتّ پیّنبی، ولکنّک لوزیر و إنّک لعلّی خبّیر.»<sup>(۲)</sup>

سخن درباره مقامات معنوی و جهاد مستمر او در راه خدا، زهد و پیراستگی او، آگاهی او از معارف و احکام خدا، تربیت انسان‌های والا، نبرد با پیمان‌شکنان و... در این مقال نمی‌گنجد و فقط در این مکان، از کلیه شخصیت‌هایی که این فضای روحانی را به‌وجود آورده‌اند، سپاسگزاری می‌شود و امید آن دارد که نگارنده با این نوشته کوتاه در عداد شیفتگان یوسف زمان محسوب شود و شاید مشمول الطاف بیکران‌ش گردد.

جعفر سبحانی- ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

## ● پی‌نوشت‌ها

۱. در مورد این القاب به مسند احمد/ج/۱/ص/۳۳ وح/۵/ص/۱۸۳،۱۸۲ وحلیه‌الأولیا،/ج/۱/ص/۶۸،۶۲ مراجعه شود.

۲. شرح نهج البلاغه/ج/۱۳/ص/۲۱۰



۸. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در یکی از نامه‌هایی که برای معاویه مرقوم فرمودند، مقداری از فضایل اهل‌بیت را تشریح کرده، می‌فرماید: اگر خداوند در قرآن از خودستایی و بر شمردن فضایل خود نهی فرموده بود، «فلا تزکوا انفسکم»<sup>(۳)</sup> من گوشه‌ای از فضایل خانوادگی خود را برمی‌شمرم، «و لولا ما نهی الله عنه من تزکیة المرء نفسه، لذکرنا ذکر فضائل جمه». این کار شمارش نعمت‌های خدا در کمال خضوع و بندگی است. سپس می‌فرماید: «فانا صنائع ربنا ولناس بعد صنائع لنا»<sup>(۴)</sup> ما ساخته شده و دست پرورده خدای خویش هستیم، ما ساخته رویبیت حقییم و دیگران دست پرورده ما هستند. ما علوم الهی را از مکتب «الله» آموختیم و دیگران از ما فرا گرفتند. ما در کنار سفره وحی نشستیم و سایرین در کنار سفره ارشاد ما. ما در آموختن علوم و معارف نیازی به غیر خدا نداریم، ولی دیگران نیازمند ما هستند که مجرای فیض خداونیم.

این جمله بلند در یکی از تویعات حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) نیز آمده است: «نحن صنائع ربنا والناس بعد صنائعنا»<sup>(۵)</sup>

شاگرد مستقیم خدای عزیز حکیم خود نیز حکیم است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که قرآن حکیم را از نزد خدای حکیم آموخت، حکیم است و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نیز که طبق آیه مباهله (آل عمران/۶۱) به منزله جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مانند نفس مطهر او محسوب شده، از همین مکتب و علم لدنی برخوردار است، و چشمه‌های حکمت از جان او می‌جوشد.

اگر کسی چهل روز «خالصا لوجه الله» زندگی کند و تمام برنامه چهل روزش برای رضای خدا باشد. مضمون «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»<sup>(۶)</sup> در جانش تجلی کند، چشمه‌های حکمت از جانش می‌جوشد و بر زبانش جاری می‌شود، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اخلص الله اربعین یوما فاجر الله ینایع الحکمة من قلبه علی لسانه»<sup>(۷)</sup>

علی علیه السلام که تمام عمر را «خالصا لوجه الله» زندگی کرد، در حکمت نظری به جایی رسید که فرمود: آن‌چه از هم اکنون تا قیامت رخ می‌دهد، از من نمی‌پرسید، جز آن‌که شما را آگاه می‌کنم، «لتسألونی عن شیء فیما بینکم و بین الساعة... الا انباتکم»<sup>(۸)</sup>.

این تحدی غیر از جمله‌ای است که فرمود: «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فلانا بطرق السماء اعلم متی بطرق الارض»<sup>(۹)</sup> پیش از آن‌که مرا در بین خود نیابید، آن‌چه می‌خواهید پرسید که من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناترم.

چنین انسانی که برپام طبیعت مشرف است و به جهانی راه یافته که بر طبیعت مسلط است، در حکمت نظری و عملی حکیمی کامل، نامور و متاله خواهد بود.

۹. در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: من جزو گروهی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان باز نمی‌ایستند، سیمای آنان سیمای صدیقان است، یعنی کسانی که هم در مقام اعتقاد صادقند و هم در مقام اخلاق و عمل. صدق در این سه قسم برایشان ملکه و راسخ شده است، «و انی لمن قوم لا تأخذهم فی الله لومة لائم سیمما هم سیمما الصدیقین»، و گفتارشان گفتار افراد نیک است، «و کلامهم کلام الابرار». شب را زنده و آباد نگه می‌دارند، «عمار اللیل». شب آنان معمور است، نه بایر و مخروب، شب را به خواب نمی‌گذرانند تا مخروب و ویران باشد، آن کس که در خواب است، شب زنده و آباد ندارد:

گرچه شام و سحر شرکه که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد زنده بودن شب و آباد کردن آن موجب روشن شدن روز و آبادی آن می‌شود، «ومنار النهار».

روشنی روز از قبال افراد روشن ضمیر است، طبیعت را آفتاب روشن می‌نماید، ولی جامعه بشری را اولیای الهی روشن می‌کنند، آنان روز را نور می‌دهند و شب را آباد و زنده می‌گردانند و زمان را فروغ می‌بخشند و زمین را برکت می‌دهند.

به ریسمان قرآن چنگ می‌زنند، «متمسکون بحبل القرآن»، سنت‌های خداوند و رسول را احیا می‌کنند و مقررات الهی را زنده نگه می‌دارند، «یحیون سنن الله و سنن رسوله»، اهل تکبر و برتری طلبی و تجاؤزگری و فساد نیستند، «لا یتکبرون و لا یعلون و لا یفسدون».

«لا یتکبرون و لا یعلون و لا یفسدون». «فانسانیت و انسانیت و انسانیت در کار و کوشش، «قلوبهم فی الجنان و اجساد هم فی العمل»<sup>(۱۰)</sup> جانشان در آن عالم است و جسم‌شان در این عالم، یعنی هم زمان با این‌که جسم آن‌ها

۲. حضرت علی علیه السلام در خطبه سوم که به خطبه «ششقیه» معروف است، می‌فرماید: «ینحدر عتی السیل ولایرفی الی الطیر»، من آن کوه بلندم که سیل علوم از من سرازیر می‌گردد! چون هر کوهی سیل خیز نیست و سیل فقط از کوه بلند و مرتفع برمی‌خیزد و هیچ پروازکننده‌ای به مقام اوچ گرفته من پر نمی‌کشد. فکر اندیشمند عادی به مقام والای علی‌بن ابی‌طالب راه نمی‌یابد و تحمل هضم و فراگیری علوم سیل‌گونه این حکیم الهی مقدور افراد عادی نیست، زیرا در برابر سیل نمی‌توان ایستاد، بلکه باید از کناره‌های آن به قدر توان بهره برد. ۳. آن حضرت در خطبه ۱۸۹ در بیان مقام علمی خود می‌فرماید: «ایها الناس! سلونی قبل ان تفقدونی فلانا بطرف السماء اعلم متی بطرق الارض».

در این کلام آن حضرت برای خود دو نشانه قایل است، چنان‌که جهان نیز دو نشانه دارد، عالم ظاهر و عالم باطن، عالم غیب و عالم شهادت. ایشان می‌فرماید: جنبه غیبی من قوی‌تر از جنبه شهادت من است! آگاهی من به علوم آسمانی بیش از آگاهی من به علوم زمینی است! زیرا غیب قوی‌تر از شهادت است و با خیران از غیب عالم قوی‌تر از مرتبطان به عالم شهادت هستند.

۴. در خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: «والله لوشنت ان اخبر کل رجل منکم بمخرجه و مولجه و جمیع شانه لفعلت! و لکن اخاف ان تکفروا فی رسول الله صلی الله علیه و آله و الا و انی مغضیه الی الخاصه ممن یؤمن ذلک منه».

سوگند به خدا، اگر بخواهم جریان زندگی شما، آغاز و انجام آن، و ورود و خروج شما را در کارها تشریح کنم، می‌توانم، چون از گذشته و آینده شما - به اذن خدا - آگاهم، ولی خوف دارم که تاب نیاورید و بگویید: چگونه رسول خدا چنین نفرمود و علی علیه السلام می‌گوید، پس علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاتر است و این مسئله زمینه انحراف فکری شما را فراهم سازد. آگاه باشید که با موالیان مورد اطمینان بعضی از اسرار عالم را در میان می‌گذارم. این نمونه‌ای از احاطه علمی علی علیه السلام به جهان غیب است و جهان غیب بر جهان شهادت احاطه دارد.

۵. در خطبه ۱۵۸ خود را سخنگوی وحی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبرکم عنه الا ان فیه علم ما یتی و الحدیث عن الماضی و دواء دایم و نظم ما بینکم».

قرآن سخن می‌گوید، شما از قرآن بپرسید، ولی هرگز حرف نمی‌زند، لیکن من سخنگوی قرآنم و شما را از محتوای آن آگاه می‌سازم. آگاه باشید که علم آینده، سخن از گذشته، داری دردها و نظم امور زندگی شما در قرآن است.

۶. در خطبه ۱۰۹ می‌فرماید: ما درخت نبوتیم، درخت نبوت در خاندان ما ریشه دارد و فیض رسالت در این خانواده فرود می‌آید و فرشته‌های خدای متعال با خاندان ما رفت و آمد دارند و قزاقه علم ما هستیم و چشمه‌سار حکمت‌ها مابیم، «نحن شجرة النبوة و محط الرسالة و مختلف الملائكة و معادن العلم و ینایع الحکم».

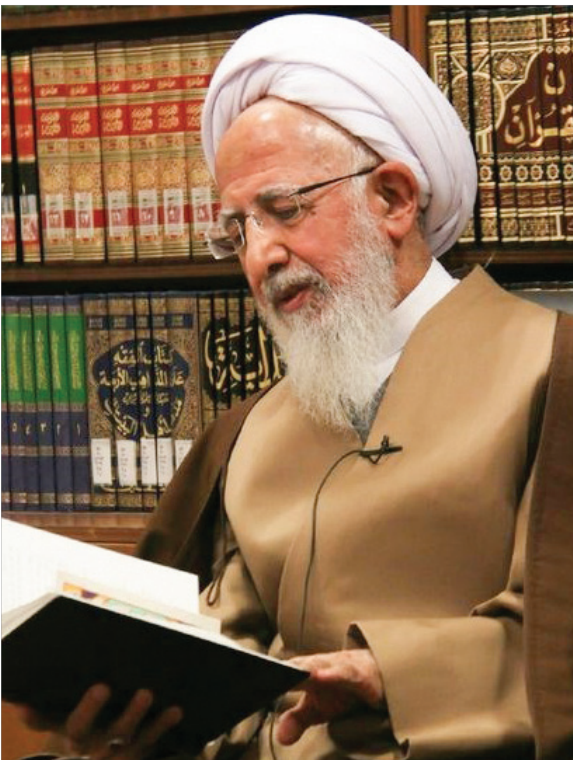
کانون و کان علم و حکمت علی و اولاد علی علیه السلام هستند و همان‌گونه که قرآن کریم در تشریح حکمت گویا و رسا است، امیرمؤمنان علیه السلام نیز که شاگرد بازرین کتاب و قرآن ناطق است، بهترین بیانگر حکمت خواهد بود.

وصفی که خدا برای قرآن بیان فرمود، علی علیه السلام نمونه آن صفت را برای خود تشریح می‌کند، خدا در عظمت قرآن می‌فرماید: «لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لرائته خاشعا متصدعا من خشية الله»، آن قدر این قرآن وزین است که اگر آن را بر کوه نازل کنیم، کوه متلاشی می‌شود.

همان‌گونه که هضم مسایل سنگین برای همه میسر نیست و بسا افرادی را به صداغ و سردرد مبتلا می‌کند، معارف بلند قرآن کوه را به صداغ، تفرق و تلاشی مبتلا می‌کند، و این مثلی است که ممثل را روشن می‌سازد: «و تلک الامثال نضرها للناس»<sup>(۱۱)</sup>.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از درگذشت سهل‌بن حنیف انصاری که از اصحاب دیرینه و شاگردان مکتب مولی‌الموحدين بود، فرمود: اگر کوه بخواهد محبت را هضم کند، متلاشی می‌شود: «لواحبنی جبل لتهافت»<sup>(۱۲)</sup> یعنی تحمل محبت، هضم ولایت و معرفت علی علیه السلام مقدور کوه نیست، همان‌گونه که هضم معانی بلند قرآن مقدورش نیست.

۷. در کلمه قصار ۱۸۴ می‌فرماید: «ما شککت فی الحق مذ اریته»، از آن لحظه‌ای که حق را به من نمایانند و حق مشهود من شد، در آن شک نکردم. آری! علی علیه السلام که بر فطرت توحید زاده شده است، «فانی ولدت علی الفطرة»<sup>(۱۳)</sup> از لحظه‌ای که حق را به آن حضرت نشان دادند، در آن شک نکرد و تا آخرین بیز آن استوار ماند.



سوگند به خدا، اگر بخواهم جریان زندگی شما، آغاز و انجام آن

و ورود و خروج شما را در کارها تشریح کنم، می‌توانم

چون از گذشته و آینده شما - به اذن خدا - آگاهم، ولی خوف دارم

که تاب نیاورید و بگویید: چگونه رسول خدا چنین نفرمود و علی علیه السلام

می‌گوید، پس علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاتر است و این مسئله

زمینه انحراف فکری شما را فراهم سازد. آگاه باشید که با موالیان

مورد اطمینان بعضی از اسرار عالم را در میان می‌گذارم.

این نمونه‌ای از احاطه علمی علی علیه السلام به جهان غیب است

و جهان غیب بر جهان شهادت احاطه دارد.

## آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

شناخت امیرالمؤمنین علیه السلام فریضه الهی است

برای کسانی که خود را «شیعه» حضرت امام علی علیه السلام می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم علیه السلام یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند، که هر نوع قصور و مسامحه در این امر، زیان‌هایی چون از دست دادن فیض شناخت و آگاهی نسبت به کسی را به همراه دارد که حتی بیگانگان در مقام والای او به شگفتی افتادند و سر به خضوع فرود آوردند.

مگر نه این است که «شیعه» یعنی تابع و پیرو؟ و آیا جز این است که تبعیت و پیروی از حضرت مولی‌الموحدين علیه السلام در گرو معرفت نسبت به شخصیت اوست و تا این شناخت و بینش به‌دست نیاید، «پیروی» تحقق عینی نمی‌یابد؟ بنابراین شخصیت‌شناسی امیرمؤمنان علیه السلام برای هر مدعی پیروی از آن پیشوای الهی، ضروری و حیاتی می‌باشد.

راستی چگونه می‌توان در برگرفتن جرمه‌هایی از اقیانوس بیکران شخصیت کسی که جامع صفات متضاد و خصال گوناگون است، تسامح ورزید و در عین حال نامش را بر زبان جاری کرد و خود را محب او نامید؟ برای انجام وظیفه امام‌شناسی، مستحکم‌ترین و راهبردی‌ترین شیوه، گوش جان سپردن به معارف و رهنمودهایی است که آن پیشوای بزرگ درباره خود بر زبان جاری ساخته است، اگر چه معتقدیم آن‌چه حضرت علی علیه السلام درباره خود فرموده، بسیار اندک است.

شناخت مقام والای حضرت علی علیه السلام و شناساندن آن، جز برای امامان معصوم مقدور نیست. از این رو مناسب است برای شناخت آن حضرت به برخی از سخنان خود ایشان تمسک کنیم که نشان‌دهنده اعتلای مقام حکیمانه وی است.

۱. در خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه هنگامی که ظهور اسلام را تشریح می‌کند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می‌ستاید، می‌فرماید:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرا در همان اوایل زندگی در دامن خویش می‌پروراند و هر روز بابتی از علم و اخلاق به روی من می‌گشود و مرا به اقتدای آن فرا می‌خواند، «یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما و یامرنی بالاقتداء به»، و هر سال که مجاور کوه حرا می‌شد و در جوار آن به عبادات می‌پرداخت، من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید، «و لقد کان یجاور فی کل سنة بحراه فاره و لایراه غیری».

در خانه‌ای که اسلام در آن ظهور کرده بود غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام کسی نبود و من سومین نفر آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و نسیم نبوت را استشمام می‌کردم، «ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صلی الله علیه و آله و خدیجه و انا لثلهما. اری نور الوحی و الرسالة و اشم ریح النبوة».

آن شامه غیبی که نسیم غیبی را استشمام می‌کند و در انبیا علیهم السلام وجود داشت، در علی علیه السلام نیز بود. وقتی برادران یوسف از مصر حرکت کردند و پیراهن وی را به همراه خود آوردند، حضرت یعقوب در فاصله چندین فرسنگی علیه السلام با قاطعیت و تأکید فرمود: من نسیم و بوی یوسف را استشمام می‌کنم، «انّی لاجد ریح یوسف لولا ان تفقدون»<sup>(۱)</sup>.

شامه‌ای که از غیب می‌بوید، شامه‌ای ملکی و مادی نیست، چنان‌که نبوت نیز مربوط به عالم طبیعت و ملک نیست و تنها با حس بویایی ملکوتی می‌توان نبوت را که امری غیبی است، تشخیص داد.

علی علیه السلام نیز می‌فرماید: من هنگام نزول وحی بر پیامبر، صدای ناله شیطان را می‌شنیدم. به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم: این ناله و فریاد چیست؟ فرمود: این افسوس شیطان است که فهمید دیگر پرستش نمی‌شود، چون جایی که وحدت و نبوت و رسالت حکومت کند، آن‌جا شیطان عبادت نمی‌شود، «ولقد سمعت رنة الشیطان حین نزل الوحی علیه صلی الله علیه و آله فقلت: یا رسول الله ما هذه الرنة؟ فقال: هذا الشیطان قد ایس من عبادته». آن‌گاه فرمود: ای علی هر چه را من می‌بینم تو نیز می‌بینی و هر چه را من می‌شنوم، تو نیز می‌شنوی، جز آن‌که تو پیامبر نیستی، لیکن وزیر من هستی و تو پریایه خیر استواری: «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انک لست ببینی و لکنک لوزیر و انک علی خیر»<sup>(۲)</sup>.

۲۶ شعبان المعظم ۱۴۴۰ / اللهم عجل لولیک الفرج

یک هزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

